



شیوهی دفاعی نوین عملیات استشهادی: تحلیل ادله‌ی تجویز آن از دیدگاه فقه امامیه

محمد جواد آقاباقری^۱

چکیده

یکی از شیوه‌های دفاعی نوینی که در دنیای امروز، خصوصاً در کشورهای تحت اشغال همچون فلسطین و در مقاطعی، لبنان و عراق، ظهور کرده است، "عملیات‌های انتحاری" و یا به تعبیر دینی آن، "استشهادی" است که تحلیل ماهوی آن تاکنون، بیشتر از آنکه از لحاظ فقهی و حقوقی صورت گیرد، تحت تأثیر فضای سیاسی بوده و منجر به یکی‌انگاری تام آن با عملیات‌های تروریستی و سرزنشی مبنی بر اقدام به خودکشی شده است. لکن طی شرایطی اقدام به چنین شیوهی در مقام دفاع از کشور مورد تجاوز و تحت اشغال، بر اساس مبانی فقهی، قطعاً با موارد مشابه آن در غیر از وضعیت تجاوز و اشغال، متفاوت خواهد بود.

آنچه که در این نوشتار مورد نظر است تحلیل ماهیت و جایگاه این اقدامات از دیدگاه فقه امامیه خواهد بود که با روش توصیفی تحلیلی صورت می‌گیرد. نتیجه‌ی حاصل نیز تفکیک شرایط دفاع از غیر آن و تجویز چنین شیوهی برای دفاع در صورت اضطرار به دلیل تراحم و ترجیح آن بر حفظ نفس است.

واژگان کلیدی: انتحار، استشهاد، ترور، خودکشی، ترس، تراحم، فقه

مقدمه

گاهی اوقات انسان در طول زندگی خود برای رسیدن به اهدافی مقدس، از داشته‌های خویش می‌گذرد، داشته‌هایی همچون مال، مقام، آبرو،... و از همهی این‌ها بالاتر، در مواردی جان خود را تقدیم می‌کند تا هدف مقدسی که داشته محقق شود.

به طور مثال در تفسیر مجمع البیان، ذیل آیهی "قُتِلَ اصحاب الأُخُدُودِ" (بروج، ۴) سخن از اصحاب اخدود به میان آمده که جوانی، جان خود را در راه ایمان آوردن مردم به خدا از دست داد. (طبرسی، ۱۳۵۸: ج ۲۶، ۴۱۱)

یکی از روش‌های دفاعی که اخیراً، مسلمانان علیه متجاوزان به کار گرفته‌اند، عملیات‌های استشهادی است. این نوع عملیات‌ها در جهان امروز، بُرنده‌ترین سلاح علیه استکبار و صهیونیسم جهانی و اسرائیل غاصب است. انجام این گونه عملیات‌ها اختصاص به فلسطین ندارد و شامل هر کشور اسلامی که مورد تجاوز و اشغال قرار گیرد می‌شود.

این شیوه خصوصاً زمانی که با طرق متعارف و کلاسیک نتوان به دفع تجاوز و ظلم اقدام نمود، بسیار راهگشا می‌باشد. همان‌گونه که در زمان اشغال لبنان توسط نیروهای آمریکایی در بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶، با ۴۱ مورد حمله‌ی استشهادی که صورت گرفت، نیروهای آمریکایی و فرانسوی از این کشور عقب‌نشینی کرده، و نیروهای اسرائیلی نیز به حدود ۸ کیلومتری مرزها برگشتند.

۱. کارشناس ارشد معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی در دانشگاه عدالت (منتظر تعیین تاریخ دفاع)-
stu-maghabagheri@edalat.ac.ir- Aghabagheri@isu.ac.ir - ۰۹۱۲۲۵۸۹۹۵۸

۲. در روایتی از امیر المؤمنین علیه‌السلام نقل شده است که جوان مذکور از پیامبران سرزمین حبشه بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۴، ۴۳۹)



در رابطه با انگیزه‌ی این عاملین انتحار، رابرت پیپ^۱ در کتاب اخیر خود تحت عنوان "مردن برای پیروشدن: منطق استراتژیک تروریسم انتحاری" می‌نویسد: "حملات انتحاری تقریباً همیشه کشورهای دموکراتیک را هدف قرار می‌دهند ولی انگیزه‌ی گروه‌هایی که در پشت این بمب‌گذاری‌ها قرار دارند، جنگ علیه اشغال نظامی و به دست آوردن حق استقلال رأی ملی است. انگیزه‌ی تروریست‌ها میل برای ایجاد دموکراسی نیست، بلکه مخالفت با آنچه آن‌ها به عنوان سلطه‌ی خارجی تصور می‌کنند، موجب برانگیخته شدن آنها می‌شود." (گرگوری گاس، ۱۳۸۴: ۷۹)

دشمنان اسلام به خوبی، این عامل پیروزی یعنی فرهنگ شهادت‌طلبی را شناسایی کرده و در طول تاریخ تلاش کرده و می‌کنند که مردم را از این فرهنگ رهایی‌بخش جدا سازند. در عصر حاضر نیز نهضت شهادت‌طلبی، مسلمانان را که از ظلم و بی‌عدالتی مستکبران عالم، کاسه‌ی صبرشان لبریز شده، تروریسم می‌خوانند تا با فریب افکار عمومی جهان بتوانند آن‌ها را قتل عام کنند.

آری فرهنگ شهادت، عامل وحشت دشمنان تا دندان مسلح اسلام است و این چنین است که امام خمینی (ره) فرمود: "شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی-شهادت میسر نیست." (خمینی، ۱۳۶۹: ج ۲۱، ۱۰۸)

آن چه که در این روش دفاعی نوین مطرح است، علم و یقین و ظن غالب دفاع‌کننده و مجری عملیات به کشته شدن خود است. از یک سو رضایت به تجاوز و اشغال‌گری و سکوت در مقابل آن خلاف اصل و روح کلی حاکم بر احکام اسلامی است، و از سوی دیگر در منابع فقهی، دفاع با فرض کشتن خود بیان نشده است و حتی وجوب دفاع از نفس هم با امید به حفظ نفس مورد بحث قرار گرفته است.

در خصوص حوزه‌ی تحقیق، لازم به بیان است که منظور از فقه معنای اصطلاحی متداول آن می‌باشد. صاحب "معالم" این معنای اصطلاحی را این گونه بیان می‌کند: "فقه در اصطلاح، عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی منابع و ادله‌ی تفصیلی آن." (ابن شهید ثانی، ۱۳۶۲: ۲۷)

حوزه‌ی محدودتر و تخصصی‌تر آن، فقه امامیه بوده که منابع و ادله‌ی آن نیز متفاوت با فقه اهل سنت می‌باشد. لذا دایره‌ی استدلالات فقهی محدود به فقه امامیه خواهد شد و از ذکر آراء اهل سنت خودداری می‌گردد.

۱. معنی لغوی و اصطلاحی انتحار

انتحار در لغت به معنای خودکشی است. (فیروزآبادی، بی تا: ج ۲، ۱۳۹، ذیل واژه‌ی نحر) در فرهنگ نفیسی نیز در تعریف لغت "انتحار" آمده: "خویشتن را کشتن" (نفیسی، بی تا: ۴۰۶)

حال این انتحار یا خودکشی، در اصطلاح شرع عبارت است از اینکه کسی به خاطر حرص دنیوی و طلب مال و یا در حال عصبانیت یا ضجر و یا بی‌تابی به قصد خودکشی، خود را بکشد. (قرطبی، ۱۹۶۵ م: ۱۵۶)

به عبارت دیگر هر نوع خودکشی که به غیر انگیزه‌ی دینی و بدون اجازه‌ی نصوص شرعی انجام شود، انتحار محسوب می‌شود.

لکن آنچه که در حال حاضر در ادبیات سیاسی جهان مصطلح شده، به عملیات‌هایی بر می‌گردد که فرد به طور مثال با بستن کمربند انفجاری به خود در راستای اهداف یک سازمان و یا اهداف شخصی خرابکارانه‌ی خود که می‌تواند ناشی از یک عدم تعادل روانی باشد، اقدام به آسیب زدن به مجموعه‌ای یا افرادی می‌کند که منتهی به مرگ خود نیز می‌شود. آنچه که تحت عنوان عملیات تروریستی از آن نام می‌برند دقیقاً به همین معناست.

طبق بند ۱ ماده‌ی ۲ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی مصوب دسامبر ۱۹۹۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تروریست عبارت است از: "آدم‌کش، قاتل، کسی که با توسل به اعمال جنایت‌کارانه به ایجاد رعب و وحشت در مردم یا اشخاص یا دستجات معین می‌پردازد. هرگاه کسی عمداً و به طور غیرقانونی، یک وسیله‌ی انفجاری یا کشنده را در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی یا در تأسیسات زیربنایی، جاسازی، منفجر یا شلیک کند، تروریست محسوب می‌شود." (شاملو احمدی، ۱۳۸۰: ۱۳۰)

^۱ Robert Pape



البته تفاوتشان در این است که عملیات‌های تروریستی اعم از عملیات‌های انتحاری می‌باشند، چه آنکه در بسیاری از عملیات‌های تروریستی، فرد مرتکب به هیچ عنوان کشته نمی‌شود، بلکه با تنظیم نقشه‌ای دقیق، موجبات فرار خود بعد از ارتکاب را فراهم آورده و از صحنه جرم می‌گریزد، ولی ویژگی خاص عملیات‌های انتحاری، که در معنای لغوی انتحار نیز آمد، این است که خود فرد منتحر نیز کشته می‌شود و در واقع با یقین به کشته شدن خود اقدام نموده است.

در دانش‌نامه‌ی آزاد ویکی‌پدیا آمده: "حمله‌ی انتحاری نوعی خودکشی عقیدتی به قصد دیگرکشی و صدمه زدن به غیر (دشمن) است. در این نوع از خودکشی فرد دست به طراحی و اجرای یک برنامه‌ی تخریبی می‌زند که طی آن خود را وسیله آسیب زدن به دشمن قرار دهد و از بین ببرد. این شکل خودکشی را می‌توان نوعی حمله‌ی منفعلانه به دشمن دانست. حمله‌ی انتحاری از دیگر انواع خودکشی بسیار متفاوت است. اگر خودکشی را به طوری که بیشتر دیده‌ایم و می‌شناسیم، اقدامی برای گریز از پوچی یا فرار از استمرار روزمرگی و بی‌هدفی بدانیم، عامل حمله‌ی انتحاری دارای هدفی است. وی برای هدفش دست به طراحی برنامه‌ای می‌زند که منجر به مرگ خودش و دیگران می‌شود." (ویکی‌پدیا، ذیل واژه‌ی عملیات انتحاری)

۲. معنی لغوی استشهد

استشهد در لغت عبارت است از: "گواهی خواستن و در راه خدا کشته شدن" (صفی پور، بی تا: ۶۶۲) که در این نوشتار، معنای دوم آن مد نظر می‌باشد. در فرهنگ نفیسی نیز در تعریف "استشهد" آمده: "گواهی خواستن و استشهد الرجل (مجهولاً) در راه خدا کشته شد آن مرد." (نفیسی، بی تا: ۲۱۹) معنای لغوی کلمه‌ی استشهد در الموسوعه الفقهیه المیسره این گونه آمده: "از لحاظ لغوی، مصدر استشهد است که بر دو معنی می‌آید: یک، طلب شهادت که گفته می‌شود: فلانی طلب شهادت کرد یا خواست که شهید شود. دو، کشته شدن در راه خدا، که گفته می‌شود: فلانی شهید شد یا در راه خدا کشته شد." (انصاری، ۱۴۱۸ ه.ق: ۳۲۱)

۳. مفهوم عملیات استشهدی

عملیات استشهدی به معنی عام، عبارت از آن اعمال جهادی است که کسی به خاطر طلب شهادت و رسیدن به شهادت، به انجام آن مبادرت می‌ورزد. اما معنای خاص آن که اکنون در جهان اسلام مطرح است، روشی است نوین با بهره‌گیری از ابزارها و وسایل کشنده، برای مقاومت و رویارویی با دشمن، بدین نحو که مجری آن یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان این عملیات استشهدی به شهادت می‌رسد. عملیات استشهدی را این گونه نیز تعریف کرده‌اند: "عملیات شهادت طلبانه به معنای عام آن به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن، به انجام آن مبادرت می‌ورزد و در این راه کشته شود." (ورعی، ۱۳۸۲: ۳۱۹) این تعاریف با یکی از معانی لغوی استشهد که کشته شدن در راه خداست، مناسبت دارد.

در عصر جدید، عملیات‌های استشهدی معمولاً به این شکل انجام می‌شود که شخص مجاهد و مبارز مسلمان، چمدان یا ماشین خود را پر از مواد منفجره می‌کند، و یا یک کمر بند انفجاری به خود می‌بندد و به مکان تجمع دشمن نفوذ و حمله می‌کند، و یا اینکه در وسیله نقلیه‌ی آن‌ها مثل اتوبوس، هواپیما، قطار و غیر این‌ها سوار می‌شود، و یا تظاهر به تسلیم می‌کند تا در جمع دشمن قرار گیرد، به هر صورت از شگردهای گوناگون استفاده می‌کند تا اینکه خود را به دشمن رسانده و در فرصتی مناسب مواد منفجره‌ای را که با خود حمل کرده در میان دشمنان منفجر کند، و بدین وسیله موجب کشته شدن و زخمی شدن دشمنان و نابودی وسایل آن‌ها می‌شود، و خود نیز در این معرکه به شهادت می‌رسد. (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۸۵، به نقل از: هایل تکروری، نواف، ۱۹۹۷ م: ۳۵)

البته روش دیگری نیز وجود دارد به این شکل که مجاهد مسلمان، مسلح شده و به پایگاه‌های نظامی دشمن و یا مکان‌های تجمع آنان هجوم می‌آورد و از نزدیک، آن‌ها را به گلوله می‌بندد و از قبل هم می‌داند که راه خروج و برگشت وجود ندارد و خودش نیز به شهادت می‌رسد.



۴. تفاوت انتحار و استشهاد

آن چه که در نگاه نخست خالی از تأمل به نظر می‌رسد، مشابهتی است که بین انتحار و استشهاد وجود دارد، یعنی به دست خود، خود را کشتن و به عبارتی دیگر، خودکشی. لذا چه در حوزه فقهی و چه در حوزه کیفری بین‌المللی، عده‌ای عملیات‌های استشهدی را همان عملیات‌های انتحاری تلقی کرده و هیچ تفاوتی بین آن‌ها قائل نیستند.

در حالی که عملیات استشهدی یک کار جهادی است و مجاهد مسلمان، برای ضربه زدن به متجاوزان و دفاع از دین و ناموس و آبرو و وطن، که هم از لحاظ دین و هم از لحاظ مقررات بین‌المللی، مشروع و دارای مجوز است، این عملیات را انجام می‌دهد و با دست خود کشته می‌شود و شهید محسوب می‌گردد.

حال اگر همین نیت و قصد تغییر کند، موضوع و حکم نیز به انتحاری و حرمت تغییر می‌کند.

البته از لحاظ ادبیات حقوق کیفری بین‌المللی انجام چنین اقداماتی تحت عنوان عملیات‌های انتحاری شناخته شده است، حال اگر این عملیات انتحاری در مقام دفاع از کشور مورد تجاوز صورت گیرد به موجب قوانین منشور ملل متحد که حق دفاع مشروع را جایز دانسته‌اند، اقدامی قانونی و جایز تلقی می‌گردد که در فرهنگ اسلامی از آن به عملیات‌های استشهدی تعبیر می‌شود.

علامه سید محمد حسین فضل‌الله در فرق بین عملیات استشهدی و انتحار می‌گوید: "برخی درباره‌ی عملیات استشهدی به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کنند که می‌گوید: "وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ" گمان می‌کنند که هر عملیاتی که انسان می‌داند در جریان آن کشته می‌شود عملیات انتحاری و در اسلام حرام است. در حالی که این آیه در مورد امور فردی و شخصی است که به هلاکت افکندن خود حرام است و نه در مسأله‌ی جهاد، زیرا اساس جهاد این است که انسان در معرض خطر و کشته شدن قرار گیرد. بنابراین به هلاکت افکندن خود در جایی است که انسان (در غیر جهاد) خود را در معرض هلاکت قرار دهد." (فضل‌الله، ۱۹۹۶ م: ۱۲۹)

در همین رابطه، آیت‌الله گرامی می‌گوید: "خودکشی معنای عام دارد لیکن وقتی به هدف اعلا‌ی دفاع و جهاد انجام می‌شود، حالت تقدس پیدا می‌کند و عنوان استشهد به خود می‌گیرد و موجب انصراف ادله‌ی حرمت قتل نفس از آن می‌گردد." (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: استفتانات، ضمیمه‌ی پ) لذا دقت در ماهیت و آثار این عملیات‌ها نشان می‌دهد که این رفتار هم از جهت قصد و انگیزه و هم از جهت غایت و آثار و پیامدها، با انتحار تفاوت اساسی دارد.

۵. پیشینه‌ی عملیات‌های انتحاری (استشهدی)

از آنجا که بین عملیات‌های انتحاری و استشهدی به شرحی که گذشت، تفاوت قائل شدیم، لذا در بیان پیشینه‌ی هر یک و مصادیق تاریخی آن نیز به تفکیک خواهیم گفت.

۱-۵. پیشینه‌ی عملیات‌های انتحاری

یکی از واژه‌هایی که اخیراً در ادبیات سیاسی جهان پرکاربرد شده است، "عملیات‌های انتحاری" است. اگرچه رسانه‌های غربی، گروه‌های تندرو اسلامی را به ویژه در عراق و فلسطین، عامل چنین عملیات‌هایی می‌دانند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عملیات‌ها دارای سابقه‌ی طولانی بوده و ریشه در فرهنگ یهودیت و مسیحیت دارند و در جنگ جهانی دوم و جنگ‌های دیگر مسبقاً به سابقه بوده است. درباره‌ی پیشینه‌ی عملیات‌های انتحاری در دانش‌نامه‌ی آزاد ویکی‌پدیا آمده است که ماجرای "سامسون" در کتاب مقدس یهودیان و "آرنولد فون" و "ابن‌لکرید" در دوره‌ی قرون وسطی، اولین عملیات‌های انتحاری هستند. همچنین در طی انقلاب‌های نظیر انقلاب بلژیک و انقلاب کبیر فرانسه، شکل‌هایی از



این نوع عملیات‌ها مانند منفجر کردن کشتی‌ها برای نابود کردن دشمن اتفاق افتاده است. از موارد دیگر این عملیات‌ها در قرن هجدهم در هندوستان بوده است که هندی‌ها برای بیرون راندن استعمارگران اروپایی از شیوه‌های انتحاری استفاده کرده‌اند.

با عملیات‌های انتحاری خلبان ژاپنی در جنگ جهانی دوم، این عملیات‌ها شیوع گسترده‌ای پیدا کرد.

"کامیکازه" که در فرهنگ سیاسی دنیا، با عملیات انتحاری معادل گرفته می‌شود، نام یک خلبان ژاپنی است که در خلال جنگ جهانی دوم، با هواپیمای نظامی، خود را به ناوهای نظامی آمریکا کوبید. پس از این ماجرا، کامیکازه که در زبان ژاپنی به معنی تندباد خدایان است و نشانی از تقدس دارد، رواج پیدا کرد و این افراد برای مقابله با برتری جویی هوایی آمریکا، خود را فدا می‌کردند و این شیوه به یک تاکتیک مهم برای ژاپنی‌ها علیه آمریکا تبدیل شد.

شیوه‌ی انتحاری همچنین یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نبرد جنگ‌جویان تامیل در سریلانکا بوده است.

"ببرهای سیاه" به گروهی از زنان تامیلی اطلاق می‌شد که صدها عملیات انتحاری علیه دولت مرکزی سریلانکا انجام داده بود. در سال ۱۹۹۱، یک ببر سیاه تامیلی در حالی که مواد منفجره به خود بسته بود، در جریان یک حمله‌ی انتحاری، "راجیو گاندی" نخست وزیر هند را ترور کرد.

کره‌ای‌ها نیز بارها از چنین عملیات‌هایی در موارد مختلف استفاده کردند. در سال ۱۹۸۷ "کین هیول هوئی" تبعه‌ی کره‌ی شمالی با جاسازی یک بمب ساعتی در هواپیمای مسافربری کره‌ی جنوبی، ۱۱۵ نفر را به همراه خودش از بین برد.

از دهه‌ی ۱۹۸۰ به این سو، با توجه به کاهش هزینه‌ی وسایل انفجاری و گسترده‌ی صدمات آن‌ها، استفاده از تاکتیک انتحاری افزایش یافته است. پس از امضای پیمان آتش‌بس در سریلانکا، کانون این عملیات‌ها به غرب آسیا منتقل شد. در سال‌های اخیر، کانون این عملیات‌ها در فلسطین و عراق بوده است. (فیض‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)

پیشینه‌ی عملیات‌های انتحاری مشخص می‌کند که این شیوه، مربوط به دین اسلام نیست و ملت‌های مختلفی به تناسب موقعیتی که در آن قرار داشته‌اند از این روش‌ها استفاده کرده‌اند.

رابرت پیپ در مقاله‌ی خود با عنوان "منطق استراتژیک تروریسم انتحاری" می‌گوید: "آن‌گونه که در رسانه‌های غربی گفته می‌شود، عملیات انتحاری یک عمل احساسی توسط کسانی که شستشوی مغزی داده شده‌اند، نیست." به گفته‌ی وی کسانی که در فلسطین و عراق، هم‌اکنون عملیات انتحاری انجام می‌دهند، عمدتاً از افراد طبقه‌ی متوسط هستند و حتی در اکثر موارد دارای عقاید سکولار می‌باشند و این نکته برای غربی‌ها شگفت‌آور است. او برای اثبات ایده‌ی خود، به عملیات‌های انتحاری که در دهه‌ی ۱۹۸۰ در لبنان انجام می‌شد، استناد کرده و می‌گوید: از مجموع عملیات‌های انتحاری در لبنان فقط ۸ انتحارکننده از گروه‌های بنیادگرای اسلامی بودند، ۲۷ نفر سوسیالیست و کمونیست و ۳ نفر نیز مسیحی بودند... برخلاف تصور بسیاری، بنیادگرایی اسلامی با تروریسم انتحاری ارتباط نزدیکی ندارد. گروهی که می‌توان آن را بانی و مبتکر تروریسم انتحاری در جهان به شمار آورد، گروه ببرهای تامیل در سریلانکا است. ببرهای تامیل یک گروه غیرمذهبی مارکسیستی است که از خانواده‌های هندو در مناطق تامیل‌نشین سریلانکا برخاسته است. این گروه بود که نیم‌تنه‌های حاوی مواد منفجره را اختراع و در حملات انتحاری دهه‌ی ۹۰ از آن استفاده کرد. فلسطینی‌ها نیز این ابتکار را در حملات خود به کار بردند. (پورحسن، ۱۳۸۴: شماره‌ی ۱۵۷۱، ۶)

"مارک هریسون" در مقاله‌ی "منطق اقتصادی تروریسم انتحاری" نیز با اشاره به پاسخ برخی‌ها که عملیات انتحاری را صرفاً ناشی از تفسیر اسلام‌گرایان تندرو از دین اسلام دانسته‌اند، می‌گوید: "انتحار مقوله‌ی گسترده‌ای است، زیرا در جنگ جهانی دوم، بسیاری از نیروهای اس اس آلمان به استقبال مرگ مقدس رفتند و نمی‌توان چیز دیگری جز عملیات انتحاری به این اقدام آن‌ها لقب داد." (فیض‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

۲-۵. پیشینه‌ی عملیات‌های استشهادی

اگر سراغ مصادیق تاریخی و پیشینه‌ی عملیات‌های استشهادی، به معنای عام آن یعنی طلب شهادت برویم کثرت آن خصوصاً در برهه‌ی صدر اسلام چشم‌گیر خواهد بود، در غزوه‌های پیامبر و جنگ‌های زمان امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام به وفور این طلب و شوق و آرزوی شهادت در بین یاران موج می‌-



زند. لکن به طور مثال می‌توان از "لیله المبیت" یعنی شبی که امیرالمؤمنین علیه السلام بر بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به جای ایشان خوابیدند نام برد.

۱-۲-۵. امیر المؤمنین علیه السلام و لیله المبیت

آن هنگام که توطئه گران قریش در "دارالندوه" اجتماع کرده و برای قتل پیامبر نقشه کشیدند ولی با امداد الهی، این امر بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معلوم گردید و اولین عمل شهادت طلبانه (البته به معنای عام آن) در تاریخ اسلام به وقوع پیوست. مؤمنی برای نجات پیامبر خویش، قدم در جایی می‌گذارد که احتمال کشته شدن در آن بسیار بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: **"إِنِّي إِلَى لِقَاءِ اللَّهِ لَمُشْتَقٌّ، وَحَسُنَ ثَوَابُهُ لِمَنْ تَنَزَّرَ رَاجٍ"**. (نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۲)

اما روی اصلی بحث بر سر تعریف و معنای خاص آن می‌باشد که باید گفت اولین حرکت استشهادی (به معنای خاص آن) در تاریخ اسلام، حرکت امام حسین علیه السلام به سمت کربلا بود.

۲-۲-۵. امام حسین علیه السلام و عاشورا

حرکت کاروان کربلا حرکتی بود که بنا به معادلات نظامی آن زمان و نصایح برخی دوستان در طول مسیر و بیانات صریح خالق این حماسه، پایانی جز شهادت نداشت یعنی علم به شهادت از قبل از حرکت بود ولی هدف مقدسی که داشتند باعث ایستادگی و صبر و ادامه‌ی مسیر تا رسیدن به شهادت شد. عبدالله بن عباس نقل می‌کند: هنگامی که امام حسین علیه السلام عازم عراق بود، به دیدنش رفتم و به او گفتم: ای فرزند رسول خدا! تو را به خدا سوگند می‌دهم که به عراق نروی و از این سفر در گذری.

امام حسین علیه السلام فرمود: ای پسر عباس! مگر نمی‌دانی که خاک عراق جایگاه شهادت اصحاب با وفای من است؟ گفتم که: این خبر از کجا به شما رسیده است؟ فرمود: این رازی است که من از آن آگاهی دارم و علمی است که به من عطا شده است. (نظری منفرد، ۱۳۷۹: ۷۴)

۳-۲-۵. مصادیق عصر حاضر

این وسیله و روش دفاعی در عصر جدید، ابتدا در دفاع مقدس ایران مقابل عراق توسط شهید محمد حسین فهمیده در سال ۱۳۵۹ صورت گرفت و بعد از آن نیز موارد متعددی به وقوع پیوست از جمله در سال ۱۹۸۲ میلادی (۱۳۶۲ ه.ش) توسط جوانان مسلمان و حزب الله لبنانی در "بیروت" و "صور" علیه سفارت و مقر تفنگ‌داران دریایی آمریکا و فرانسه و مقر فرماندهی نظامی اسرائیل انجام شد و جهنمی از آتش علیه اشغال‌گران به وجود آورد، و موجب فرار نظامیان آمریکایی و فرانسوی از لبنان و عقب نشینی ارتش اسرائیل از مرزهای جنوبی لبنان و تخلیه‌ی بیروت گشت. بعد از این تجربه‌ی موفق، جوانان مسلمان فلسطینی از این روش دفاعی علیه رژیم غاصب و اشغال‌گر قدس استفاده کردند و اکنون نیز ادامه دارد.

۶. میزان تأثیر عملیات‌های استشهادی

تاکنون ثابت شده است که عملیات‌های استشهادی با شیوه‌ی خاص آن، بیشترین تلفات را بر دشمنان وارد ساخته و از آن مهم‌تر، رعب و وحشتی در میان آن‌ها پدید آورده که آسایش و امنیت را از آنان سلب کرده است. به طوری که در هیچ کجا حتی پادگان‌ها و مناطق حفاظت‌شده‌ی خود نیز احساس آرامش نمی‌کنند و همواره از هر شخص ناشناسی و از هر وسیله‌ای عادی می‌ترسند و همین باعث عصبانیت و تضعیف قدرت مادی و روحی و معنوی آن‌ها می‌شود و خسارات مالی زیادی را متحمل می‌شوند.



ژنرال "لویس" فرماندهی ارتش اسرائیل می‌گوید: "برای هر دردی می‌توان دواپی یافت، مشکل تفنگ و توپ و تانک و هواپیمای ارتش را می‌توان چاره کرد، ولی در مقابل جوانی که بی‌مهابا و با یقین و آرامش قلبی، خود را در راه هدف منفجر می‌سازد، چه تدبیری می‌توان داشت." (شلمچه، ۱۳۷۶: شماره‌ی ۹، ۲۲)

آنچه که مسلم است و قابل انکار نیست، اثر بازدارندگی این نوع عملیات‌ها به دلیل خصوصیات ویژه‌ی آن می‌باشد. اشغال‌گران با مشاهده‌ی عملیات‌های استشهادی و به واسطه‌ی رعب و واهمه‌ی همیشگی ایجاد شده، هیچ‌گاه بدون تأمل و محاسبه دست به هر جنایتی هر ملل مسلمان نخواهند زد چرا که همواره عملیات شهادت‌طلبانه را در کمین خود حس می‌کنند.

۷. دیدگاه فقه امامیه نسبت به عملیات‌های استشهادی

آنچه در باب جواز یا عدم جواز این عملیات‌ها مطرح و محل بحث و اختلاف نظر قرار گرفته است از آن جهت می‌باشد که فرد با اراده‌ی خود و اختیار تأمش، دست به عملی می‌زند که یقین دارد جان خود را از دست می‌دهد و لذا اشکال خودکشی و حرمت آن را وارد دانسته و برخی از این روش‌های نهنی کرده‌اند.

اما در خصوص فقهای که نظر به جواز آن داده‌اند باید گفت هیچ‌گاه این جواز، مطلق نبوده و تحقق شرایطی را برای آن لازم دانسته‌اند. حتی فقهای اهل سنت نیز که بسیار محکم‌تر و شدیدتر، رأی بر جواز آن و استجاب مؤکد ارتکاب آن داده‌اند، هیچ‌گاه روی به اطلاق آن نیاورده و شرایطی را مطرح نموده‌اند.

البته با توجه به دامنه‌ی مدنظر در این تحقیق یعنی فقه امامیه به بررسی آراء و فتاوی اهل سنت پرداخته نمی‌شود و صرفاً ادله و فتاوی فقهای شیعه مطرح می‌گردد.

۷-۱. شرایط جواز ارتکاب این عملیات‌ها

از مجموع فتاوی و آرای که فقهاء شیعه درباره‌ی عملیات‌های استشهادی تاکنون مطرح کرده‌اند (که در ادامه، استفتانات و نظرات دقیق‌تر خواهد آمد)، می‌توان مجموعه‌ای از شرایط کلی و عمده را استخراج نمود:

۱. دفاع از اسلام و مسلمین متوقف بر آن باشد.

۲. با اجازه‌ی حاکم شرع انجام شود.

۳. افراد بی‌گناه کشته نشوند.

۷-۱-۱. دفاع از اسلام و مسلمین متوقف بر آن باشد

بدین معنا که اگر روش‌های دفاعی دیگری موجود باشد که بتوان از آن استفاده نمود و دشمن را به عقب راند، بدیهی است که نوبت به چنین اقداماتی که موجب از دست دادن جان یک رزمنده می‌باشد نمی‌رسد، ولی گاهی چاره‌ای جز این نیست.

به طور مثال در سرزمین‌های اشغالی، بیش از نیم قرن مبارزه بدون عملیات‌های استشهادی بود و البته بدون موفقیت در عقب راندن اشغال‌گران، اما در زمان اشغال لبنان توسط اسرائیل، انجام چند عملیات استشهادی که در قسمت پیشینه‌ی این عملیات‌ها بدان اشاره شد، موجب خروج اشغال‌گران از سرزمین لبنان گردید.

این تجربه‌ی موفق موجب استفاده‌ی فلسطینیان نیز از این روش دفاعی جدید گردید که نتایج بهتری در برداشت و به خواست خدا در صورت استمرار آن، یقیناً موجب آزادسازی مناطق اشغالی خواهد گردید.



۲-۱-۷. با اجازه‌ی حاکم شرع انجام شود

آن چه مسلم است پیچیدگی‌های سیاسی و نظامی و معادلات تأثیرگذار اعمال افراد بر روابط دولت‌ها می‌باشد. به همین خاطر یک وحدت رویه و هماهنگی به جهت رعایت مقتضیات زمان و مکان لازم است. هماهنگی و اذنی که می‌بایست از ولی فقیه، حاکم شرع، مجتهد جامع الشرایط و رهبری شرعی صورت گیرد و بدین ترتیب مانع از آن خواهد شد که عملی مقدس موجب انحراف و ضرر حکومت اسلامی گردد.

سید محمد حسین فضل‌الله در رابطه با این شرط می‌گوید: "مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهادی به طور قطع دستگاه رهبری شرعی است. این نهاد است که ضرورت چنین کاری را تشخیص می‌دهد و مجاهدان را به انجام آن توجه می‌دهد، و یا به استفاده از هر ابزار جهادی دیگر فرا می‌خواند. دستگاه رهبری هم برای تشخیص این وضع باید به اهل خبره رجوع کند. زمانی که برنامه روشن شد و ابعاد موضوع بررسی شد و رهبری به این نتیجه رسید که عملیات استشهادی ضرورت دارد، دستور اقدام به آن را صادر می‌کند." (فضل‌الله، ۱۹۹۶ م: ۱۳۰)

۳-۱-۷. افراد بی‌گناه کشته نشوند

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به حقوق غیرنظامیان سفارش کرده و می‌فرماید: "پیران، اطفال و زنان را به قتل نرسانید." در قرآن کریم نیز بر این نکته تأکید شده است. خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۱۹۰ می‌فرماید: "وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ"، در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.

مجاهدان با آن همه فضیلت و مقامی که در نزد خدا دارند، "فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا" (نساء، ۹۵) در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت نکنند از محبت خدا محروم‌اند و متجاوزان مورد خشم خداوند هستند.

عدم ذکر متعلق نهی (ولا تعتدوا) نشان می‌دهد که از هر گونه تجاوز، نهی شده است، درباره‌ی اشخاص باشد یا نحوه‌ی قتل دشمن یا قوانین جنگ. گاهی اعتداء نسبت به اشخاص است، چنانکه می‌فرماید: "لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ" (ممتحنه، ۸) خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما بی‌کار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت‌پیشه‌گان را دوست دارد.

لذا از شروط جواز عملیات استشهادی است که به زنان و کودکان و سال‌خوردگانی که در تجاوز و اشغال‌گری و مساعدت به متجاوزین و اشغال‌گران نقشی ندارند آسیبی وارد نشود.

البته در خصوص اسرائیل باید این نکته را در نظر داشت که وضع به گونه‌ای دیگر است، زیرا اساساً اسرائیل یک جامعه‌ی نظامی به حساب می‌آید که در این جامعه، زنان و مردان همگی تکالیف و مأموریت‌های نظامی بر عهده دارند، و افراد به دو گروه در حال خدمت و ذخیره‌ی احتیاط تقسیم می‌شوند.

در جامعه‌ی اسرائیل که افراد و طبقات آن از کشورهای شرق و غرب جهان برای تأسیس کیان جعلی و غصبی صهیونیستی مهاجرت داده شده‌اند، افراد به دلیل پیوند سیستماتیک خود با ارتش اسرائیل، نظامی محسوب می‌شوند و به همین دلیل کشته شدن یک مهاجر صهیونیستی به عنوان کاسته شدن یک نفر از ذخیره‌ی احتیاط ارتش اسرائیل محسوب می‌شود. در همین رابطه می‌توان به قاعده‌ای به نام "تترس" اشاره کرد، یعنی جواز قتل انسان‌های بی‌گناهی که دشمن در جنگ، سپر قرار می‌دهد.

۲-۲. تترس

۱-۲-۲. مفهوم تترس

تترس در لغت به معنی تستر است. فیومی می‌گوید: "تترس یعنی چیزی را سپر قرار دادن، چیزی را با سپر پوشاندن."^۱

۱. لا تفتلوا شیخاً فاناً و لاصیباً و لامراه (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق: ج ۹۷، ۲۵)



تترس در اصلاح به معنای آن است که گروهی در حال جنگ با گروهی دیگر، بین خود و دشمن مقابل، تعدادی از مردمی را که نقشی در جنگ نداشته و طرف مقابل مایل به کشتن آنها نیست، قرار دهند تا بدین وسیله خود را از خطر تهاجم دشمن حفظ نمایند.

مثل اینکه کفار در جنگ با مسلمانان تعدادی از اسرای مسلمان و یا زنان و کودکان را در مقابل سپاه اسلام قرار دهند تا اینکه خودشان را از خطر هجوم مسلمانان حفظ کنند، زیرا کفار می‌دانند مسلمانان به دلیل حفظ جان بی‌گناهان به آنها حمله نمی‌کنند.

امروزه برای این منظور گروگان‌ها و اسرای جنگی و افراد بی‌گناه را در مراکز حیاتی و مهم مثل مکان‌های استراتژیک نظامی و سیاسی نگهداری می‌کنند تا اینکه طرف مخاصم به خاطر حفظ جان افراد بی‌گناه و یا وابسته به خود، از تهاجم به آن‌ها بپرهیزد.

حال در این رابطه فقهای شیعه به این سوال که: " آیا می‌توان این افراد محقون الدمی را که توسط کفار در مقابل مسلمین، سپر قرار داده شده‌اند به قتل رساند، به طوری که غلبه و پیروزی بر دشمنان بدون کشتن آن‌ها امکان پذیر نباشد؟"، پاسخ مثبت داده‌اند.

منتهی برخی از فقهاء جواز قتل چنین افرادی را بین مسلمانان اتفاقی می‌دانند، گرچه در فروع مسئله، اختلافاتی وجود دارد اما اصل فتوای به جواز مورد اتفاق است و برخی از فقهاء در صورت شعله‌ور شدن جنگ، این کار را جایز می‌دانند و برخی دیگر در صورتی که پیروزی و غلبه بر دشمن، متوقف بر کشتن چنین افرادی باشد، جایز می‌شمارند و بعضی دیگر در صورت ضرورت، کشتن چنین افرادی را جایز می‌دانند.

۲-۲-۷. اقوال فقهای شیعه درباره‌ی تترس

شیخ طوسی در این رابطه می‌گوید: "هرگاه مشرکین، اسیران مسلمان را سپر قرار دهند، اگر جنگ بر پا نبود، تیراندازی به آن‌ها جایز نیست و اگر جنگ شعله‌ور شده بود، تیراندازی به آن‌ها جایز است، به این شکل که مشرکین را قصد کنند و مسلمین کشته نشوند. زیرا منع از این کار موجب بطلان جهاد می‌شود و اگر در بین اسیران، پیرمردانی از اهل حرب بودند در مورد آن‌ها چهار قول است:

قول اول آن است که اگر آن‌ها صاحب نظر و اهل جنگیدن بودند حکم جوان دارند و کشتن آن‌ها جایز است.

قول دوم این است که اگر اهل جنگیدن بودند ولی صاحب نظر نبودند، باز کشتن آن‌ها جایز است.

قول سوم این است که اگر آن‌ها صاحب نظر در مسائل جنگ بودند ولی اهل جنگیدن نبودند، در این صورت نیز کشتن آن‌ها جایز است.

قول چهارم این است که نه صاحب نظر و نه اهل جنگیدن هستند، و پیر و فرتوت می‌باشند، در این صورت کشتن آن‌ها نزد ما جایز نیست، البته در این قول هم اختلاف است." (طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق: ج ۲، ۱۲)

پس شیخ طوسی به شرط شعله‌ور شدن جنگ، کشتن اسیر مسلمان و پیرمرد اهل حربی را که توسط دشمن، سپر قرار گرفته شده‌اند جایز می‌داند.

ابن ادریس در مورد سپر قرار دادن کودکان، اسیران مسلمان و زنان می‌گوید: "هرگاه مشرکین، کودکانشان را سپر قرار دهند، اگر این کار در حال شعله‌ور بودن جنگ باشد، تیراندازی به آن‌ها جایز است. البته نباید کودک قصد شود بلکه کسانی که پشت سر کودکان هستند باید قصد شود. زیرا اگر این کار انجام نشود، منجر به بطلان جهاد می‌شود. اگر اسیران مسلمان را سپر قرار دهند همین حکم جاری است و اگر زنان را سپر قرار دهند باز همین حکم جاری می‌شود." (ابن ادریس الحللی، بی تا: ج ۲، ۸)

اگر به ترتیب ظاهری گفته شده توسط ابن ادریس توجه نکنیم، می‌توان گفت ایشان از قیاس اولویت در خصوص کودکان مترس استفاده نموده‌اند، بدین معنا که قتل کودکان مسلمان سپر قرار داده شده به شرط شعله‌ور شدن جنگ، جایز است و به طریق اولی کودکان کافر سپر قرار داده شده.

قاضی ابن براج در مورد سپر قرار دادن اطفال می‌گوید: "هرگاه مشرکین، کودکان را سپر قرار دهند، آیا کشتن آن‌ها با تیر یا غیر آن جایز است یا جایز نیست؟ جواب این است که اگر جنگ شعله‌ور شده است، کشتن مشرکین جایز است بدون آنکه قصد کشتن کودکان شود بلکه باید کسانی که در پشت سر

۱. تترس بالشیء جعله کالترس و تترس به (فیومی، ۱۹۸۷ م: ۲۹، ذیل واژه‌ی ترس)



کودکان قرار گرفته‌اند قصد شود، و اگر این مسئله منجر به کشته شدن کودکان شد، چیزی متوجه قاتل نمی‌باشد، زیرا اگر سپاه اسلام این کار را نکند جهاد باطل می‌شود، و اگر جنگ شعله‌ور و پابرجا نبود کشتن کودکان جایز نیست، زیرا آن‌ها به تکلیف نرسیده‌اند." (قاضی ابن براج، ۱۴۱۱ ه.ق: ۵۰)

علامه‌ی حلی در این رابطه می‌گوید: "اگر کفار، زنان و بچه‌هایشان را سپر قرار دهند، اگر جنگ شعله‌ور شده است، کشتن آن‌ها جایز است و کشتن کودک و زن قصد نمی‌شود، بلکه کشتن کسانی که پشت سر آن‌ها هستند قصد می‌شود و سپر قرار گرفتن، مانع از کشتن آن‌ها نمی‌شود. به خاطر روایتی که شیخ از حفص بن غیاث و او از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده است: آیا رها کردن آب بر روی کفار و آتش زدن آن‌ها و پرتاب اشیاء با منجنیق به آن‌ها تا اینکه کشته شوند جایز است یا اینکه در بین کفار، زنان، کودکان، پیران، اسیران مسلمان و تاجران مسلمان حضور دارند؟ حضرت فرمود: این کارها را با کفار انجام دهند و حضور این افراد مانع از این کارها نمی‌شود و دیه و کفاره هم بر آن‌ها قرار نمی‌گیرد." (حلی، ۱۴۲۹ ه.ق: ج ۱۴، ۹۴)

علامه مشابه همین مطالب را در "تذکره الفقهاء" نیز آورده است. (حلی، بی تا: ج ۱، ۴۱۳)

لذا ایشان نیز کشتن زنان و کودکانی که سپر قرار گرفته‌اند، در صورت شعله‌ور شدن جنگ و ترس از غلبه‌ی دشمن در اثر عدم کشتن این افراد، جایز می‌داند ولی باید کفار و مشرکین قصد شوند.

مقدس اردبیلی کشتن زنان و کودکان و مسلمانانی را که توسط دشمن، سپر قرار داده می‌شوند جایز می‌داند به شرط اینکه امکان دفع و منع دشمن به غیر آن نباشد، و بر قاتل مسلمان سپر قرار گرفته، دیه نیز تعلق نمی‌گیرد و به طریق اولی، قصاص هم نمی‌شود. در واقع ایشان دلیل این مسئله را نقل و عقل (قیاس اولویت) می‌داند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۹ ه.ق: ج ۷، ۴۵۳)

صاحب جواهر در این باره می‌گوید: "اگر کفار، زنان و کودکان و دیوانه‌ها را سپر قرار دهند، نباید به آن‌ها تعرض کرد. البته در صورتی که امکان رسیدن به دشمنان بدون تعرض به افراد وجود داشته باشد. زیرا این افراد مقدمه‌ی رسیدن به کفار هستند. مگر اینکه جنگ شعله‌ور شده باشد که در این صورت حمله جایز است ولو اینکه مستلزم کشتن افراد مذکور شود. خصوصاً زمانی که خودداری از حمله، موجب پیروزی دشمن گردد. خیر حفص بن غیاث و دیگر ادله که دلالت بر کشتن کفار می‌کند بر دلیل حرمت کشتن این افراد رجحان دارد. همچنین اگر کفار اسیران مسلمان را سپر قرار دهند و مبارزه با کفار بدون کشتن آن‌ها ممکن نباشد، کشتن اسراء جایز است، حتی مقتضای خبر حفص بن غیاث تعرض به اسراء را جایز می‌داند ولو اینکه جهاد با کفار متوقف بر حمله به اسراء نباشد." (نجفی، ۱۹۸۱ م: ج ۲۱، ۶۸)

امام خمینی (ره) در پاسخ به این سوال که: اگر نیروهای باطل عده‌ای از مسلمانان از قبیل زنان، کودکان و پیرمردان را سپر قرار دهند، برای نبرد با دشمن، آیا کشتن مسلمانان مذکور جایز است یا خیر؟ می‌فرماید: "بسمه تعالی. اگر دفاع از اسلام و مسلمین و سرکوب کردن مهاجمین متوقف بر آن باشد جایز است." (استفتائاتی از محضر امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۱: ۴۵)

آیت الله هاشمی شاهرودی در رابطه با ترس می‌گوید: "کشتن پیر سال خورده و زن و کودکان کفار در جنگ، جایز نیست و همین طور اسیران مسلمانی که به دست کفار به اسارت درآمده‌اند. بلکه اگر دشمنان، این افراد را سپر قرار دهند، کشتن آن‌ها جایز است. البته در صورتی که جنگیدن با کفار و غلبه پیدا کردن بر آن‌ها متوقف بر کشتن این افراد باشد." (هاشمی، ۱۴۳۰ ه.ق: ج ۱، ۳۹۷)

ایشان نیز در صورتی که پیروزی و غلبه‌ی سپاه اسلام متوقف بر کشتن متوسل باشد، این کار را جایز می‌داند.

نظر قاضی ابن براج، ابن ادریس و علامه حلی، نسبت به سایر فتاوی که فقها فرموده‌اند و در این قسمت هم آمد، تفاوت محسوسی دارد و به نظر می‌رسد نظری دقیق‌تر از سایر نظرات باشد.

۱. عن حفص بن غیاث قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن مدینه من مدائن الحرب هل يجوز أن يُرسل عليها الماء أو تُحرق بالنار أو تُرمى بالمنجنیق حتى يُقتلوا و منهم النساء و الصبيان و الشيخ الكبير و الأُسارى من المسلمین و التجار؟ فقال: يُفعل ذلك بهم و لا يُسك عنهم لهؤلاء، و لا ديه عليهم للمسلمین و لا كفاره. (حر عاملی، ۱۴۰۳ ه.ق: ج ۱۱، ۴۶)



ایشان اشاره‌ی ظریفی به نیت و قصد قاتل داشته‌اند، یعنی همگی به اتفاق و با شرط ضرورت و ناچاری، قتل ترس را جایز می‌دانند ولی ابن براج اشاره داشته است که این اقدام به قصد افرادی صورت گیرد که در پشت مترسین، قرار گرفته‌اند، حال اگر تیر به مترس اصابت کرد، سرزندی و به تبع آن، مسئولیتی متوجه ضارب نخواهد بود. نکته‌ی دقیقی که در فتوای ابن ادریس و علامه حلی نیز بدان اشاره شده است.

در خاتمه‌ی ذکر شرایط عملیات‌های استشهادی مناسب است مطلب نشریه‌ی "العهد" ارگان حزب الله لبنان نیز بیان شود. نشریه‌ای که در آن، شرایط عملیات استشهادی را برشمرده است: داشتن مجوز شرعی، جلوگیری از ضربات گسترده‌ی دشمن، جلوگیری از یک خطر بزرگ، مصلحت کلی مبارزه و جنبش، نبودن راهی جز استفاده از عملیات شهادت طلبانه برای دست‌یابی به هدف بزرگ. (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۹۴، به نقل از: داودآبادی، حمید، ۱۳۸۳: ۷۸)

۳-۲. دلیل جواز ارتکاب

یکی از مباحث فقهی اصولی، بحث تراحم است. تراحم عبارت است از: هر گاه دو حکم (دو قانون) هر دو فعلیت داشته و تصادفاً بر عهده‌ی مکلف قرار گرفته باشند، و امکان نداشته باشد که مکلف هر دو را با هم امتثال کند گویند بین آن دو تراحم است و آن دو را حکمین متراحمین خوانند. (فیض، ۱۳۶۹: ۱۸۱)

دو حکم شرعی که با یکدیگر متراحم می‌شوند صور مختلفی دارند، یکی از آن صور این است که تراحم بین دو واجب باشد، در صورتی که یکی از آن دو واجب بر دیگری رجحان داشته باشد، مکلف باید به واجب راجح و اهم عمل کند.

اسلام دفاع از ناموس، وطن و دین را در مقابل متجاوزان و دشمنان واجب می‌داند، از طرف دیگر حفظ نفس و جان را نیز واجب می‌داند. مجاهدین مسلمانی که سرزمینشان مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته و برای دفع تجاوز و ضربه زدن به دشمن نیازمند به انجام عملیات استشهادی هستند، با دو واجب مواجه می‌باشند، یکی دفاع از ناموس، کشور و دینشان و دیگری حفظ جان خود. با توجه به اینکه مصلحت و اهمیت دفاع از ناموس، وطن و دین که یک مصلحت نوعی و اجتماعی است اهم و راجح از حفظ جان و نفس است که یک مصلحت فردی و شخصی می‌باشد، دفاع را مقدم نموده و علیه اشغال‌گران و متجاوزان دست به عملیات استشهادی می‌زنند و در این راه، جان خود را فدا می‌کنند. همین ارجحیت و اهمیت دفاع بر حفظ نفس که از مرجحات باب تراحم است دلیل بر جواز انجام عملیات استشهادی خواهد بود.

بعضی از فقهاء دلیل جواز عملیات استشهادی را همین قاعده اهمیت و ارجحیت دانسته و بعضی دیگر، آن را در صورت اهم بودن بر جان مسلمانان، واجب می‌دانند.

به همین منظور و جهت بررسی بهتر حکم فقهی عملیات‌های استشهادی، نظر برخی فقهاء و نیز استفتائاتی که از برخی مراجع عظام شده است را خواهیم آورد.

۴-۲. فتاوی فقهای معاصر اسلام در خصوص عملیات استشهادی

امام خمینی (ره) درباره‌ی شهادت محمد حسین فهمیده، مطلبی فرمودند که بیانگر جواز عملیات استشهادی علیه دشمنان متجاوز است، متن فرموده‌ی ایشان چنین است: "رهبر ما آن طفل دوازده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود، و خود نیز شربت شهادت نوشید." (خمینی، ۱۳۶۲: ج ۱۴، ۶۰)

اینکه حضرت امام (ره) نه تنها این کار را، یعنی عملیات استشهادی صورت گرفته توسط شهید فهمیده، نفی نمی‌کند بلکه نهایت تجلیل را از وی به عمل آورده و خطاب رهبر به او می‌دهد که این تأییدی است بر جواز ارتکاب عملیات‌های استشهادی از جانب ایشان.



رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای طی یک سخنرانی خود پیرامون فلسطین فرمودند: "اوج این ایستادگی، همین عملیات استشهادی است. این که یک مرد، یک جوان، یک پسر و یک دختر حاضر می‌شود برای منافع و مصالح ملت و دینش جان خود را فدا کند، اوج افتخار و شجاعت و شهامت است. این همان چیزی است که دشمن از آن می‌ترسد. لذا شما ملاحظه کردید، از رئیس جمهور آمریکا گرفته تا همه کسانی که در سراسر دنیا در خط آمریکا کار می‌کنند و حرف می‌زنند، سعی کردند با شماتت و ملامت و فلسفه‌بافی، عملیات استشهادی را متوقف کنند. نه؛ عملیات استشهادی اوج عظمت یک ملت و اوج حماسه است... کیست که بتواند چنین کاری را محکوم کند؟ کیست که بتواند از عظمت و ارزش این کار در چشم انسان‌های با وجدان و با انصاف بکاهد؟ عملیات استشهادی، اوج عظمت آن‌هاست." (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای)

صراحت ایشان در عدم امکان محکومیت این اقدام و تمجید قابل تأمل، دلالتی بر جواز عملیات استشهادی در نظر ایشان است.

آیت الله نوری همدانی نیز عملیات استشهادی را یک نوع جهاد دانسته و مانند کار شهید محمد حسین فهمیده می‌داند و معتقد است که ادله‌ی جهاد شامل این نوع عملیات می‌شود، و مسئول تشخیص ضرورت انجام عملیات استشهادی را کسانی می‌داند که به اوضاع مبارزه و جهاد و به اوضاع دشمنان اسلام واقف باشد. (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: استفتانات، ضمیمه ت)

همچنین ایشان در جای دیگر گفته است: "عملیات استشهادی جایز و یک نوع جهاد در راه خداست." (شرق، ۱۳۸۴: شماره‌ی ۴۵۷، ۲)

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ پرسش صورت گرفته در خصوص عملیات‌های انتحاری، گفته‌اند: "عملیات انتحاری جایز نیست مگر در جایی که خطر متوجه اسلام باشد و راهی برای دفع خطر جز عملیات شهادت طلبانه وجود نداشته باشد و آن هم باید با اجازه‌ی حاکم شرع باشد."

همچنین در خصوص یکی از مصادیق آن یعنی فلسطین، سوال شده: "عملیات شهادت طلبانه مسلمانان فلسطینی، که به خود مواد انفجاری بسته و به مواضع دشمن حمله می‌کنند، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ آیا ایرانیان نیز می‌توانند به آنجا بروند، و این کار را انجام دهند؟" که ایشان این گونه پاسخ دادند: "در صورتی که مردم فلسطین برای دفاع از خود راهی جز این کار نداشته باشند، جایز است. و اقدام مردم سایر کشورها به این کار، بدون هماهنگی با حکومت‌هایشان جایز نیست." (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی)

همچنین آیت الله فاضل لنکرانی که در پاسخ به استفتاء درباره‌ی مشروعیت عملیات استشهادی مجاهدین فلسطینی علیه نیروهای متجاوز اسرائیل پاسخ دادند که: "... عملیات استشهادی چنانچه با نظر صریح مسؤولین دلسوز انتفاضه و با رعایت همه‌ی شرایط باشد اشکالی ندارد و دنیا باید بدانند مردم مظلوم فلسطین برای مقابله با این رژیم و رساندن فریاد مظلومیت خویش به گوش همه از این طریق استفاده می‌نمایند، بنابراین چنین اعمالی که دفاع از خود و کشور خود بر آن متوقف است، صحیح است و از مصادیق شهید محسوب می‌شود. همه‌ی مسلمانان نسبت به حفظ قدس و بیت المقدس که قبله‌ی اولیه مسلمانان است و نیز نسبت به سرزمین اسلامی فلسطین وظیفه‌ی شرعی دارند و واجب است با تمام تلاش و امکانات در جهت آزادی قدس کوشش نمایند. انشاءالله" (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله فاضل لنکرانی)

نکته‌ی پایانی این قسمت در خصوص بحث ترس است که مطرح شد و در رابطه با آن به جهت ارتباط با موضوع دلیل جواز ارتکاب، یک سوال اساسی مطرح می‌شود که آیا از مطلب مذکور و فتاوی مطرح شده در خصوص ترس، نمی‌توان استفاده کرد که حرمت جان دیگری از حرمت جان خود انسان بیشتر است؟

اگر جواب مثبت است و بتوان چنین استفاده‌ای را نمود، این سوال مطرح می‌شود که آیا نمی‌توان از جواز کشتن افراد سپر قرار داده شده در فرض پا برجا بودن و شعله‌ور شدن جنگ یا توقف پیروزی و غلبه‌ی سپاه اسلام بر آن یا ضرورت دیگر بنابر اختلاف اقوالی که در مسئله‌ی ترس بود، جواز قتل را در عملیات شهادت طلبانه برای رسیدن به هدفی برتر استفاده کرد؟

اگر انسان مجاز است در شرایطی خاص برای ضربه زدن به دشمن و غلبه بر او، مسلمانان اسیر و افراد بی‌گناه سپر قرار داده شده را به قتل برساند، یعنی کشتن امثال خود، چرا مجاز نباشد برای رسیدن به همین هدف، خود را فدا کند، یعنی کشتن خود؟



صاحب جواهر در بحث ترس، پس از بیان اقوال مختلف و دیدگاه خود (که مطرح شد)، ضابطه‌ای را ارائه می‌کند که خیلی حائز اهمیت است و مطلب را کاملاً روشن و تبیین می‌نماید، به شکلی که هیچ ابهامی باقی نمی‌گذارد.

لذا برای جمع بندی این بحث و نتیجه‌گیری از آن، عین سخن ایشان را بیان می‌کنیم: "خلاصه‌ی کلام اینکه کشتن کافر حربی واجب است. پس هر وقت امکان کشتن کافر حربی فراهم شد و مقدمه‌ی حرامی هم وجود نداشت، این کار انجام می‌شود و اگر مقدمه‌ی حرامی وجود داشت (مثل کشتن بی‌گناهی که سپر قرار داده شده‌اند و کشته شدن مجری عملیات استشهادی) و قتل کافر حربی متوقف بر انجام آن مقدمه بود، در این صورت بین خطاب و وجوب و خطاب حرمت، تعارض پیش می‌آید. اگر هیچ کدام بر دیگری ترجیح نداشت، شخص مخیر است که یکی را انتخاب کند. شاید مراد از جواز انجام مقدمه‌ی حرام در عبارت اصحاب، و ظاهر خبر حفص بن غیاث که قبلاً ذکر شد، ترجیح اول است تا وجوب باقی بماند. به خاطر سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: مسلمانان به خاطر افراد سپر قرار داده شده از کفار دست بر ندارند و چه بسا اسلام در چنین مواردی این ترجیح را تأیید می‌کند." (نجفی، ۱۹۸۱ م: ج ۶۹، ۲۱)

با توجه به این بیان صاحب جواهر، عملیات استشهادی بر فرض که خودکشی هم محسوب شود که عملی حرام است، ولی چون عمل واجب اهمی مانند ضربه زدن به دشمنان اسلام و دفاع از سرزمین اسلامی متوقف بر آن است، انجام آن مجاز و لازم خواهد بود.

و چنانچه از نظر اهمیت هم از عمل حرام (خودکشی) برتر نباشد، باز هم شخص مخیر است یکی از آن دو را انتخاب کند. یعنی انتخاب بین ارتکاب فعل حرامی برای جلوگیری از ترک واجبی و یا خودداری از فعل حرام که البته در تفاوت عملیات انتحاری و استشهادی آمد که اساساً عملیات استشهادی متفاوت با عملیات‌های انتحاری بوده و فعل حرامی نیست که بخواهد چنین تعارضاتی پیش آید.

نتیجه

موضع بین‌المللی در خصوص عملیات‌های انتحاری (استشهادی) که از لحاظ شکلی اخص از عملیات‌های تروریستی است، یکسان دانستن آن‌ها با ترور بدون هیچ قید و شرطی، و غیرقانونی دانستن مجموعه‌ی آن‌هاست.

در حالیکه این شیوه‌ی دفاعی نوین یعنی کشتن متجاوز بوسیله‌ی خودکشی، می‌بایست در موارد کاربری آن تفکیک قائل شد و سپس حکم به موجه یا ناموجه بودن آن داد. کشوری که تحت اشغال نظامی متجاوزین قرار گرفته، هم از لحاظ فقهی و هم از لحاظ حقوق کیفری بین‌المللی، دارای حق مشروع دفاع بوده و در راستای این اعمال حق خود، اعمال مدافعانه‌ی غیرقانونی، موجه می‌شود لذا به هر شیوه‌ای می‌تواند به دفاع از خود برخیزد که از آن جمله است، شیوه‌ی عملیات‌های انتحاری (استشهادی).

به طور مثال در وضعیت اشغال نظامی حاکم در فلسطین، حق دفاع برای فلسطینیان وجود داشته و تا خروج اشغال‌گران، وجود دارد و لذا هیچ محدودیتی در بکارگیری طرق مدافعانه ندارند.

اگر عملیات‌های انتحاری که وقتی پشتوانه‌ی مذهبی پیدا می‌کند از آن به عملیات‌های استشهادی نام برده می‌شود، به زعم بیگانگان، عملیاتی تروریستی قلمداد شود، باز هم در چنین وضعیت اشغالی قابلیت اجرا دارد. اگرچه اصل شیوه‌ی استشهادی در دین اسلام، طبق اصل تراحم و اهم بودن دفاع از کشور اسلامی در برابر تجاوز نسبت به حفظ جان، بنا به شرایطی از جمله اذن حاکم شرع و متوقف بودن دفاع بر آن، مشروع است.



فهرست منابع

کتابها

۱. ابن ادريس الحلبي، محمد، **كتاب السرائر**، الجزء الثاني، قم: موسسه النشر الاسلامي، بی تا.
۲. ابن شهيد ثاني، حسن، **معالم الدين و ملاذ المجتهدين**، به اهتمام دکتر مهدی محقق، تهران: موسسه‌ی اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه‌ی تهران، ۱۳۶۲.
۳. **استفتائاتی از محضر امام خمینی** قدس سره، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم)، ۱۳۸۱.
۴. حر عاملی، محمد، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، الجزء الحادی عشر، تهران: مطبعه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ه.ق.
۵. حلّی، جمال الدین حسن، **تذکره الفقهاء**، المجلد الاول، بی جا: المكتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.
۶. حلّی، جمال الدین حسن، **منتهی المطلب**، الجزء الرابع عشر، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۲۹ ه.ق.
۷. خمینی، روح الله، **صحیفه‌ی نور**، جلد ۱۴ (۱۳۶۲) و جلد ۲۱ (۱۳۶۹)، بی جا: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۸. داود آبادی، حمید، **پاره‌های فولاد**، تهران: نشر غنچه، مؤسسه فرهنگی هنری شهید آوینی، ۱۳۸۳.
۹. سید رضی، **نهج البلاغه**، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۹.
۱۰. شاملو احمدی، محمد حسین، **فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزائی**، اصفهان: نشر دادیار، ۱۳۸۰.
۱۱. صفی پور، عبد الرحیم، **منتهی الارب فی لغه العرب**، بی جا: انتشارات کتابخانه‌ی سنائی، بی تا.
۱۲. طبرسی، فضل بن الحسن، **تفسیر مجمع البیان**، جلد ۲۶، ترجمه‌ی محمد رازی، بی جا: موسسه‌ی انتشارات فراهانی، ۱۳۵۸.
۱۳. طوسی، ابو جعفر محمد، **المبسوط فی فقه الامامیه**، الجزء الثاني، طهران: مطبعه الحیدریه، ۱۳۸۷ ه.ق.
۱۴. فضل الله، محمد حسین، **فقه الحیاه**، بیروت: موسسه العارف للمطبوعات، ۱۹۹۶ م.
۱۵. فیروزآبادی، مجد الدین محمد، **القاموس المحیط**، الجزء الثاني، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۶. فیض الهی، روح الله، **نقد و بررسی ترور در قرآن کریم**، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸.
۱۷. فیض، علیرضا، **مبایده فقه و اصول**، تهران: موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۱۸. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر، معجم عربی - عربی**، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۷ م.
۱۹. قاضی ابن براج، عبد العزیز، **جواهر الفقه**، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۰. قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لاحکام القرآن**، الجزء الخامس، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۵ م.
۲۱. مجلس، محمد باقر، **بحار الانوار**، الجزء السابع و التسعون و الجزء الرابع عشر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۲. مقدس اردبیلی، احمد، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان**، الجزء السابع، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۳. ملا محمد علی، امیر، **مبانی فقهی عملیات استهادی**، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۵.
۲۴. میر محمد صادقی، حسین، **حقوق جزای بین الملل**، تهران: میزان، ۱۳۸۶.
۲۵. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، الجزء الحادی و العشرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۲۶. نظری منفرد، علی، **قصه‌ی کربلا**، قم: سرور، ۱۳۷۹.
۲۷. نفیسی (ناظم الاطباء)، علی اکبر، **فرهنگ نفیسی**، جلد نخست، بی جا: کتابفروشی خیام، بی تا.
۲۸. هاشمی، سید محمود، **منهاج الصالحین**، الجزء الاول (العبادات)، بی جا: بی تا، ۱۴۳۰ ه.ق.



۲۹. هایل تکروری، نواف، **العمليات الاستشهاديه في الميزان الفقهي**، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۷ م.

نشریات

۳۰. روزنامه‌ی شرق، شماره‌ی ۴۵۷، ۱۳۸۴/۲/۳.
۳۱. گرگوری گاس، اف، **آیا دموکراسی از تروریسم جلوگیری می‌کند؟**، ترجمه‌ی حسن پاشازاده، ماهنامه‌ی زمانه، شماره‌ی ۳۸، آبان ۱۳۸۴.
۳۲. **نشریه‌ی سیاسی اجتماعی فرهنگی شلمچه**، سال دوم، شماره‌ی ۲۲، نیمه‌ی اول دی ماه ۱۳۷۶.
۳۳. ورعی، سید جواد، **مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه**، قم: مجله‌ی حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره‌ی ۲۷، ۱۳۸۲.

اینترنت

۳۴. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی: <http://persian.makarem.ir>
۳۵. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله فاضل لنکرانی: www.Lankarani.com
۳۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir
۳۷. دانشنامه‌ی آزاد ویکی پدیا: www.wikipedia.org
۳۸. سایت دادگاه کیفری بین‌المللی: www.icc-cpi.int